

روستا و توسعه، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۹

DOI: 10.30490/RVT.2020.253848.0

تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در توسعه پایدار گردشگری روستایی: مطالعه موردی روستای میان‌رز فومن*

احمد دانائی نیا^۱، زهره بیگی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۷

چکیده

نوع معماری مراکز محله در روستاهای واجد ارزش تاریخی می‌تواند ضمن ایجاد محیط مطلوب برای روستاییان، به رونق اقتصاد روستایی بینجامد و زمینه ساز توسعه روستا باشد. طی دهه‌های اخیر، در برنامه‌ریزی‌های راهبردی نیز بر نقش محله‌ها به‌عنوان محور اصلی توسعه

* پژوهشگران مراتب قدردانی خود را از ساکنان، اعضای شورای اسلامی و دهیار روستای میان‌رز و نیز مسئولان بنیاد مسکن شهرستان فومن که در فراهم‌سازی شرایط انجام مطالعات میدانی، نهایت همکاری را داشتند، ابراز می‌دارند.

۱- نویسنده مسئول و استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
(danaeinia@kashanu.ac.ir)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

تأکید شده است. هدف مطالعه حاضر بررسی نقش مرکز محله در ارتقای گردشگری روستایی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن به منظور توسعه این صنعت در روستای میان‌رز شهرستان فومن بود و در این راستا، سه پرسش مطرح شد: «شاخصه‌های گردشگری پایدار روستایی کدامند؟»، «توسعه مرکز محله چگونه در گردشگری پایدار روستا مؤثر خواهد بود؟» و «ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مرکز محله در گردشگری پایدار کدامند؟». روش پژوهش، بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، توصیفی - تحلیلی بود. گردآوری اطلاعات به شیوه‌های کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی، مصاحبه و پرسشنامه باز صورت گرفت؛ و تحلیل داده‌ها نیز به روش‌های سوات (SWOT) و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام شد. در ارزیابی نهایی، مجموع امتیاز عوامل داخلی بیانگر بیشتر بودن نقاط قوت نسبت به نقاط ضعف بود؛ و مجموع امتیاز عوامل خارجی نیز بیشتر بودن فرصت‌های توسعه محله نسبت به تهدیدها را نشان می‌داد. نتایج مبین نقش بالای مرکز محله در توسعه گردشگری روستای میان‌رز از طریق توسعه اقتصادی، مشارکت ساکنان، افزایش رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقای آموزش و دانش زیست‌محیطی بود، که با برقراری تعادل میان ابعاد زیستی، اجتماعی و اقتصادی، اتخاذ راهبرد تهاجمی، تقویت نقاط قوت و بهره‌مندی از فرصت‌های موجود (مانند گسترش واحدهای خدماتی، بهبود واحدهای اقامتی و ارتقای کیفیت مسیرهای سواره و پیاده) تحقق می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: گردشگری پایدار، مرکز محله، سوات (SWOT)، میان‌رز (روستا). فومن (شهرستان)

مقدمه

گردشگری یکی از بخش‌های مهم و در حال رشد سریع در جهان بوده و در رشد اقتصاد کشورها بسیار مؤثر است، که البته منافع اقتصادی آن شامل جوامع محلی نیز می‌شود (Osman & Sentosa, 2013). روستا به عنوان یک مکان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، زیستگاه جماعتی از مردم در خارج از محدوده شهرهاست که از هویت تاریخی، جغرافیایی و

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

فرهنگی خاص خود برخوردارند (RaseghGhezelbash, 2011). از این منظر، گردشگری روستایی توجه دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و فعالان اقتصادی را به خود جلب کرده است، زیرا این صنعت نقش مهمی در جهت‌دهی فعالیت‌های اقتصادی و کمک به افزایش درآمد جوامع محلی ایفا می‌کند (Chin et al., 2014). هرچند، گردشگری روستایی به‌طور کلی موضوعی جدید نیست، اما اهمیت و نقشی که در توسعه پایدار جوامع محلی دارد، به‌تازگی مشخص و تأیید شده است (Rokneddin Eftekhari et al., 2011)، به‌گونه‌ای که در فرآیند کنونی برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی، به‌دنبال توجه بدین واقعیت که بسیاری از پیامدهای ناگوار توسعه در جهان سوم نتیجه تقلید ناآگاهانه از الگوهای توسعه برون‌زا و روش توسعه «از بالا به پایین» بوده، استفاده از راهبردهای مشارکتی و رویکرد برنامه‌ریزی «از پایین به بالا» به تدریج مورد اجماع نظر برنامه‌ریزان قرار گرفته است (Jompur, 2015). الگوهای جدید توسعه با محوریت توسعه محلی و بهره‌گیری از تنوع‌های مکانی فضایی تبیین شده‌اند؛ از این رو، شناخت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مختلف در سطوح خرد فضاهای جغرافیایی در کانون توجه برنامه‌ریزان توسعه قرار دارد (Badri & Yarihesar, 2009). بر این اساس، تحقق این رویکرد نیازمند تعریف نظام تقسیمات فضایی خردتر است و از آنجا که می‌توان «محله» را به‌عنوان واحد پایه و محور برنامه‌ریزی مشارکتی در عرصه همگانی قلمداد کرد، بر نقش حیاتی محلات و ارزش‌های درونی اجتماعات محلی به‌عنوان نقاط کانونی روستایی و شاخصه اصلی توسعه تأکید شده است، به‌گونه‌ای که با تأکید بر قابلیت‌های محله‌ها، در راستای بهبود ایفای نقش حیاتی آنها در فرآیند ارتقای حس تعلق به مکان، می‌توان شاهد بهبود عملکردها و توسعه گردشگری روستایی بود.

آغاز مطالعه پیرامون توسعه محله‌محور را می‌توان از دهه ۱۹۷۰، هم‌زمان با مطالعات پدیدارشناسانه هوسرل^۱ دانست. در دو دهه اخیر، پژوهش‌ها و مطالعات گسترده در همین زمینه انجام شده، که پاره‌ای از این پیشینه پژوهش در جدول ۱ آمده است.

1. Edmund Husserl

جدول ۱- پیشینه پژوهش

پژوهشگر	عنوان پژوهش	مهم ترین نتایج
(Kretzmann & McKnight, 1993)	توسعه اجتماعات مبتنی بر دارایی‌ها	راه‌های توسعه محله را از دو روش تمرکز بر نیازهای محلی، کمبودها و مشکلات محله و تأکید فراوانی بر نگرشی دارایی‌مبنا در مقابل نگرش نیازمبنا برمی‌شمارد.
(Culling worth & Caves, 2003)	"برنامه‌ریزی در ایالات متحده آمریکا مسائل و فرایندها"	مشکل محلات را بروز مسائل اقتصادی و ناپایداری شهر می‌داند.
(Riddle, 2004)	"برنامه‌ریزی شهری پایدار: اوج تعادل"	به حفاظت و ارتقای منابع محله با حفظ فرایندهای زیست‌محیطی که منجر به افزایش کیفیت کلی زندگی در حال و آینده می‌پردازد.
(Cowan, 2005)	"پایداری مسئله عصر ما و نگرانی حکومت محلی"	به بررسی مشارکت در ایجاد کیفیت بالاتر زندگی و ایجاد فرصت‌ها و گزینه‌های متنوع، ارتقای محیط طبیعی، ترقی اتحاد و تقویت دارایی‌های اقتصادی می‌پردازد.
(karimi & Tavakolinia, 2009)	"جایگاه توسعه در مقیاس خرد و محله‌ای در توسعه پایدار شهری"	دستیابی به پایداری در سطح محله برای ساکنین محله امکان‌پذیر می‌باشد.
(Shakibamanesh et al., 2006)	"کتاب محله‌های شهری در ایران"	به تبیین ویژگی‌های محله‌های شهری در ایران ساختار کالبدی محله و واحدهای همسایگی پرداخته است.
Moradafshari (2013)	کندوکاوی بر توسعه گردشگری با بهره‌گیری از بافت‌های باارزش روستا	احیاء بافت روستایی سبب تقویت نقش گردشگری روستایی بوده و در صورت برنامه‌ریزی صحیح، گردشگری خالق یا محرک یک فرآیند توسعه یافته در نواحی روستایی
(Azani & Hatamifar, 2016)	نقش محله در ارتقای گردشگری شهری (محله جلفای اصفهان)	توسعه محلات را در گردشگری شهری مؤثر دانسته و تجهیز محله جلفای اصفهان در ابعاد کالبدی، فضایی تاریخی آن را گردشگر پذیر خواهد نمود.
(Mahdavi et al., 2018)	بهبودی بافت باارزش روستایی و نقش آن بر توسعه گردشگری	بهبودی بافت‌های باارزش روستایی را در توسعه گردشگری بسیار مؤثر می‌داند.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

از آنجا که در پژوهش‌های ارزشمند پیشین، به ارزیابی جامع محله‌های روستایی و توسعه آنها و نیز نقش آنها در توسعه روستایی پرداخته نشده، پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از تجارب موجود، به دنبال ارزیابی وضعیت این محله‌ها و تأثیر آنها بر توسعه گردشگری روستایی است.

در روستاهای ایران، مراکز محلات فضاهایی واجد ارزش‌اند که با ایجاد ارتباط میان واحدهای همسایگی، مکان‌هایی درخور برای بروز فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی به‌شمار می‌آیند؛ و از آنجا که ارتقای کیفی مراکز محلات دارای تأثیر مستقیم و اجتناب‌ناپذیر بر ارتقای کیفی سکونتگاه‌های روستایی است، بر نقش حیاتی محلات و اجتماعات محلی به‌عنوان نقاط کانونی روستایی و برنامه‌ریزی محله به‌عنوان شاخصه مهم توسعه تأکید شده است. محله‌ها از کانون‌های مهم شکل‌گیری هویت فرهنگی و اجتماعی مردم هستند و ضروری است تا در چارچوب طرح‌های مناسب، الگوها و روش‌هایی برای حمایت از این مکان‌های واجد ارزش ارائه شود. توسعه محله‌ای، فرصتی برای ارتقای کیفیت زندگی بر پایه بهره‌گیری از منابع نهفته در محیط است و در راستای تحقق توسعه پایدار، می‌تواند در توسعه گردشگری روستایی و جذب گردشگران مؤثر واقع شود. از این‌رو، توسعه گردشگری پایدار روستایی مبتنی بر بسترسازی فضای مرکز محله مهم‌ترین هدفی است که پژوهش حاضر در پی کمک به تحقق آن است، به‌گونه‌ای که با تأکید بر قابلیت‌های محلات، بتوان ایفای نقش حیاتی آنها در فرآیند ارتقای حس تعلق به مکان، عملکردها و در نهایت، توسعه گردشگری روستایی را بهبود بخشید. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است که با بازشناسی قابلیت‌های مرکز محله روستای میان‌رز، از طریق ارائه راهکار، زمینه تحقق اهداف یادشده را فراهم سازد. بر پایه همین اهداف، پرسش‌های اصلی پژوهش بین شرح طرح شده است:

- ۱- شاخصه‌های گردشگری پایدار کدامند؟
- ۲- چگونه توسعه مرکز محله در گردشگری پایدار روستا مؤثر خواهد بود؟
- ۳- ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مرکز محله روستا در گردشگری پایدار کدامند؟

با عنایت به ظرفیت‌های غنی معماری بومی و طبیعت بکر به عنوان جاذبه‌های گردشگری در روستای میان‌رز و موقعیت مرکز محله آن به عنوان نقطه عطف روستا، می‌توان امیدوار بود که با توسعه درست مرکز محله، ضمن دستیابی به محله‌ای سرزنده و پویا، زمینه نیل به گردشگری پایدار در روستا نیز فراهم شود.

مبانی نظری

محلات و توسعه گردشگری

هرگاه فعالیت‌های گردشگری ارتباط نزدیک با جوامع محلی داشته باشد، گردشگری می‌تواند به تغییر در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، محیطی و اقتصادی جامعه بینجامد (Hall & Lew, 2009). افزون بر این، به باور بسیاری از پژوهشگران، گردشگری ابزاری برای توسعه اقتصادی به ویژه در جوامع محلی بوده و از مطرح‌ترین راهبردهای توسعه است؛ و از این رو، توسعه گردشگری می‌تواند توسعه ملی و محلی را افزایش دهد (Aref et al., 2010). با این همه، برخی از منتقدان، ضمن تأکید بر پیامدهای مهارنشده زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی گردشگری (Schloegel, 2007)، توصیه می‌کنند که تعادلی میان آنها برقرار شود (Amir et al., 2015).

گردشگری پایدار مفهومی جدید است که در سال ۱۹۸۷، به دنبال واکنش به گزارش براندتلند در ارتباط با توسعه پایدار مطرح شد. این «نگرش مفهومی» به گردشگری در قالب یک هدف جهانی از سوی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۱ مطرح شده و نیاز همه صنایع به

۱- مبتنی بر گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) موسوم به گزارش کمیسیون برون‌دلند (Brundtland Commission)، در سال ۱۹۸۷، برای نخستین بار، به‌طور رسمی، مجموعه‌ای از پیشنهادها و اصول قانونی جهت دستیابی به توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه فراهم آمد. سپس، موضوع توسعه پایدار در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه (UNCED-92) در شهر ریودوژانیرو (اجلاس زمین) به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفت و اداره و بهره‌برداری صحیح و کارآ از منابع پایه، طبیعی و مالی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب در صدر برنامه‌های جهانی جای گرفت.

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

توسعه اقدامات بر پایه اصول توسعه پایدار را پیش کشیده و به دنبال آن، زمینه‌ساز افزایش آگاهی پژوهشگران حوزه گردشگری از مشکلات و تأثیرات نامطلوب آن شده است، به گونه‌ای که توسعه گردشگری با رویکرد «پایداری» به عنوان جایگزین مدل‌های سنتی مطرح شده و به ارائه تعاریفی جدیدتر و مفهومی‌تر از گردشگری رسیده است.

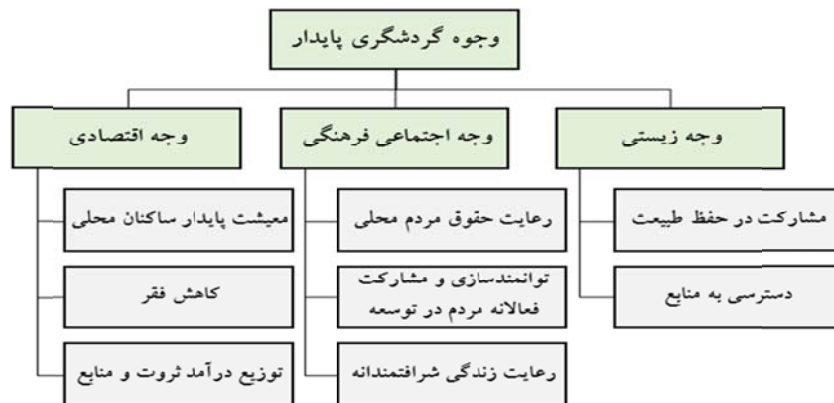
بنا به تعریف باتلر و همکاران (Bulter et al., 1998)، «گردشگری پایدار» گونه‌ای از گردشگری است که امکان تداوم در یک محیط در زمان نامحدود را داشته باشد و از نظر انسانی و مادی، به محیط زیست و همچنین، به توسعه سایر فعالیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی آسیب وارد نیاورد.

به گفته اکبری‌ان رونی‌زی (Akbarian-Ronizi, 2016)، هال و تستونی «گردشگری پایدار» را بدان جهت که منجر به سود خالص از محیط‌های اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و فرهنگی منطقه گردشگری می‌شود، نوعی از گردشگری می‌دانند که می‌تواند در بلندمدت حفظ شود. پژوهشگرانی نظیر توسان، مورفی، هریس، لیپر، مانت و مافرس نیز آن را فرآیندی می‌دانند که نیازهای گردشگران و جامعه میزبان را تأمین و در عین حال، از فرصت‌های آینده حمایت می‌کند و مدیریت تمامی منابع را به منظور تأمین انواع نیازهای اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد.

گردشگری، در مفهوم پایداری، معنی ویژه‌ای دارد. زایش این مفهوم در مطالعات گردشگری حاصل تلاش برای دستیابی به پایداری در تمامی زمینه‌های توسعه است. توسعه پایدار از نظر زیست محیطی غیرمخرب، از نظر فنی متناسب، از نظر اقتصادی پویا و از نظر اجتماعی موردپذیرش مردم است (Zargham Boroojeni & Nikbin, 2012).

بر اساس آنچه گفته شد، شاخصه‌های گردشگری پایدار از منظر صاحب‌نظران بر حضور سه مؤلفه اثرگذار زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد. پایداری زیست محیطی سبب می‌شود که گسترش صنعت گردشگری منجر به ایجاد تغییرات نامطلوب در زیست‌بوم نشود؛ پایداری اجتماعی اشاره به توانایی یک اجتماع، اعم از محلی یا ملی، برای پذیرش

بازدیدکنندگان در دوره زمانی کوتاه یا بلند دارد، به گونه‌ای که ناهماهنگی و تضادی در ساخت اجتماعی جامعه به هیچ وجه پدید نیاید و یا به حداقل ممکن برسد (Rezvani, 2008)؛ و سرانجام، پایداری اقتصادی با معیارهایی نظیر سهم گردشگری در کاهش فقر و نیز توزیع درآمد، ثروت و منابع قدرت اقتصادی و معیشت پایدار ساکنان محلی همراه است. این ابعاد با هم ارتباط متقابل دارند و توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن همه ابعاد تحقق نخواهد یافت (Rokneddin Eftekhari et al., 2011).



مأخذ: یافته‌های پژوهش، با رهیافتی برگرفته از مطالعه دویم (Duim, 2005)

شکل ۱- وجه گردشگری پایدار

مفید بودن توسعه گردشگری روستایی به عنوان یک راهبرد اساسی به منظور نجات روستاها از فقر، مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی، هم‌زمان با تغییر نگرش نسبت به مفاهیم توسعه پایدار و موضوع گردشگری و حتی پیش‌تر از آن مطرح شده است. به گفته سو - (Su, 2011)، از دهه ۱۹۷۰ بدین سو، گردشگری روستایی از رشدی درخور توجه در کشورهای توسعه‌یافته برخوردار شده است و نقش کلیدی در توسعه مناطقی یافته که با شرایط نامطلوب مواجه بوده است.

در دهه‌های اخیر، گردشگری روستایی از رشد فزاینده برخوردار بوده است و هرروزه به علاقه‌مندان آن افزوده می‌شود (Hall et al., 2003). از این رو، اندیشمندان آن را به عنوان یکی

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

از راهکارهای بسیار مهم در تجدید حیات مناطق روستایی معرفی کرده‌اند (Jaafar et al., 2015). این نوع گردشگری هویت و ماهیت مناطق روستایی را از مکانی صرفاً برای تولید غذا به مکانی برای ارائه امکانات و تسهیلات روستایی تغییر داده است (Rezavani et al., 2016). و بر این اساس، توسعه پایدار گردشگری روستایی «فرآیندی است که بر تأمین نیازهای توسعه اجتماع محلی، بهبود زنجیره عرضه تولیدات محلی، تشویق صنایع و حرفه‌های محلی، توسعه متناسب با ظرفیت زیست‌محیطی و اجتماعی محلی و افزایش ثبات درآمد گردشگری تأکید دارد». در این نگرش، اساس گردشگری روستایی عبارت است از: ترکیب محیط زیست روستایی، فعالیت‌های مزرعه و فرهنگ‌های مختص موجود در روستا به منظور فراهم آوردن زمینه تفریح و تنوع برای گردشگران، ایجاد فرصتی برای افراد محلی برای کسب درآمد بیشتر، ایجاد اشتغال، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و ایجاد ارتباط با افراد خارج روستا (Rokneddin Eftekhari et al., 2011). ویور بر این عقیده است که گردشگری روستایی تنها به افزایش فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد مردم بومی، تنوع پایه‌های اقتصاد محلی و افزایش میزان مالیات مناطق روستایی منجر نمی‌شود (Devereux, 2001)، بلکه فرصت‌هایی برای پیشرفت اجتماع محل و بقای فرهنگ نیز ارائه می‌دهد (Azkia & Imani, 2008)؛ و در صورت برنامه‌ریزی زیربنایی، توسعه گردشگری پایدار روستایی در راستای توسعه روستاست و همان اهداف را دنبال می‌کند.

توسعه محلی

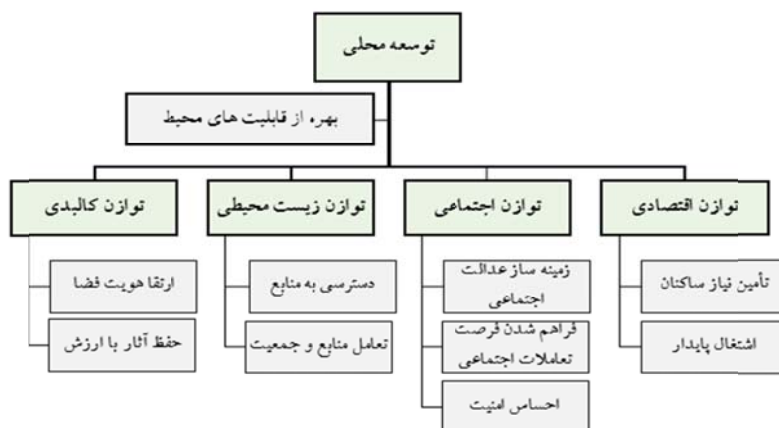
سامان‌دهی مکان یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه پایدار به حساب می‌آید و محتوای اصلی آن مبتنی بر ایجاد تعادل میان ابعاد اقتصادی توسعه کالبدی و زیست‌محیطی (مکان) است و بر پایه پذیرش مسئولیت در مقابل نیازها و خواسته‌های نسل آینده استوار است، بر همین اساس، از آنجا که یکی از کوچک‌ترین اجزای هر شهر و روستا محله است و بهتر است که توسعه از اجزای کوچک شهر و روستا آغاز شود (توسعه محله‌مبنا)، توجه به محله‌ها در

روستاها اهمیت بسیار دارد. مفاهیمی چون برنامه‌ریزی از پایین، مشارکت جمعی و فراگیر، حق انتخاب فزون‌تر برای ساکنان محلی، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر همراه با کارآیی بیشتر، توزیع عادلانه امکانات و مواهب توسعه و نیز رفاه مردم تنها در سایه مفهوم توسعه محله-ای و برنامه‌ریزی محلات شهری عینیت پیدا می‌کند (Sarraf, 2000). از این رو، محله به‌عنوان یکی از اندام‌های نظام شهری بنیان بسیاری از سیاست‌ها و روش‌های شهری در توسعه چشم‌انداز پایداری شهری جهان به‌شمار می‌رود.

به اعتقاد لینچ، محله «منطقه وسیعی است که به‌دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص، قابل شناسایی است». مرزهای کالبدی مبتنی بر درک ذهنی و یا نشانه عینی، حس تعلق مکانی و همبستگی اجتماعی، امکان شناخت رودررو و وجود تسهیلات و خدمات محلی از جمله نکاتی است که در مفهوم‌شناسی محله اهمیت می‌یابند (Abdolahi et al., 2010). به‌طور کلی، همان‌گونه که در مقیاس جهانی، شهرها بر حسب اندازه، فرم، تراکم و سایر ویژگی‌های خود متفاوت‌اند و یک اندازه قطعی برای آنها در نظر گرفته نشده است، برای محله شاخصه‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل معرف آنها نیست. در مقابل، عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنان، نام و مرزهای کاربردی معرف محله‌هاست (Rahnamaee, 1990). بافت‌های باارزش روستایی نیز در بیشتر موارد، تقسیمات محله‌ای دارند. این محلات بیش از آنکه وجه کالبدی داشته باشند، جنبه اجتماعی دارند. مبنای تقسیم‌بندی این‌گونه محلات ممکن است خانوادگی، قومی و یا مذهبی باشد. به‌طور کلی، ویژگی مهم و مثبت محله داشتن نوعی روح جمعی است که مظاهر آن در وحدت و پیوستگی افراد به یکدیگر، احساس یگانگی و نیز آمادگی برای مساعدت و همکاری در راه حفظ شعار محله و بهبود اوضاع آن نمایان است. بر اساس برخی از تعاریف ارائه‌شده، محله را می‌توان یک واحد اجتماعی با گرایش‌های همگن فرهنگی و اقتصادی دانست که ارائه خدمات و نیز تعاملات را عهده‌دار است و از آنجا که بافت و ساختار اصلی شهر و روستا را تشکیل می‌دهد، توسعه آن در توسعه کل روستا مؤثر خواهد بود. توسعه محله‌ای، در واقع، برنامه‌ریزی برای توسعه شهر آن‌هم در سطحی محدودتر و خردتر

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

از قبل است (Zokin, 1997). به دیگر سخن، توسعه محلی فرآیندی است که بر اساس آن، سرمایه‌ای که اجتماع به صورت بالقوه قادر به جمع‌آوری و استفاده از آن است، افزایش می‌یابد تا به کمک آن، کیفیت زندگی مردم محله بهبود یابد. در جریان این فرآیند، اشکال جدیدی از سازمان اجتماعی و کشش جمعی پدیدار می‌شود تا به ترمیم و اصلاح نابرابری‌های موجود در زمینه توزیع قدرت و منابع پردازد. بنابراین، می‌توان گفت که توسعه محله‌ای شامل تمام مسائل مربوط به مسکن، توسعه اقتصادی، مشارکت شهروندان، رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقای آموزشی و مسائل زیست‌محیطی است که میان تمامی این مسائل ارتباط متقابل وجود دارد (Khakpoor et al., 2009). بر همین اساس، تحقق آنها دستیابی به شاخصه‌های گردشگری را نیز در پی خواهد داشت.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۲- توسعه محلی و ابعاد آن

به عقیده پاور (Power, 2004)، معیارهای یک محله توسعه یافته و پایدار عبارت‌اند از فعال و جامع بودن، برخورداری از عدالت اجتماعی، حساسیت محیطی، خدمات‌رسانی، ایجاد مشاغل و بهره از توان‌های بالقوه محلی. از نگاه بن‌هام (Bonham, 2010)، محله مطلوب محله‌ای است که از عوامل تراکم و جابه‌جایی آسان، اختلاط کاربری‌ها، قابلیت حرکت پیاده و

سواره، توجه به فضاهای عمومی، و بهره‌وری مناسب انرژی برخوردار باشد. رزلند (Roseland, 2005) سرمایه محلی را پایه و اساس محله توسعه یافته و عوامل مؤثر بر آن را مؤلفه‌های طبیعی، کالبدی، اقتصادی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. راکو (Raco, 2007) بر این باور است که طرح محلات پایدار تأثیری عمیق بر برنامه‌ریزی فضایی کل کشور خواهند داشت. از دیدگاه او، تعادل میان گروه‌های اجتماعی، فرصت‌های شغلی و دسترسی به محیط شرایط ایجاد یک محله پایدار را محقق می‌کنند. کاندن (Condon, 2010) برنامه‌ریزی اصولی برای توسعه را از محلات دانسته، پنج مؤلفه خدمات، تجارب، تنوع، ایجاد فضاهای سبز و طبیعی و خیابان‌های به هم پیوسته، و ایجاد مشاغل با ارزش را مطرح می‌کند. در قالب نظریه‌ها و تجارب موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای بسیاری را می‌توان برای توسعه در مقیاس محله مطرح و تحلیل کرد که از آن میان، می‌توان سرزندگی، هویت، پویایی - سازگاری، تنوع، وضوح و دسترسی را برشمرد (Mofidi Shemirani, 2016). با توجه به آنچه پیرامون مؤلفه‌های شکل دهنده محله توسعه یافته مطرح شد، این مؤلفه‌ها را می‌توان در بخش‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی دانست. بر این اساس، شاخص‌های توسعه مرکز محله روستای میان‌رز را می‌توان مبتنی بر این شاخصه‌های سه‌گانه مؤثر، در قالب الگوهای جدول ۲ ارائه کرد.

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

جدول ۲- شاخص‌های توسعه مرکز محله میان‌رز مبتنی بر شاخصه‌های توسعه پایدار

مؤلفه	شاخص	صفات
اجتماعی	هویت	وجود عناصر شاخص، قدیمی بودن محله، باهویت بودن محله
	سرزندگی	وجود مراکز خرید و گذران اوقات فراغت، فضا برای برگزاری مراسم و برنامه‌های فرهنگی، وجود مکان‌های ورزشی، فضا برای پیاده‌روی
	امنیت	شناخت غریبه در محله، امنیت در ساعات پایانی شب، عدم وجود بزهکاری در محله، نبود فضای تاریک و بی‌دفاع در محله، امنیت عابر پیاده
	تعلق خاطر مکانی	قدیمی بودن محله، همکاری و مراودات اجتماعی اهل محله
زیست محیطی	فضای سبز	سرانه فضای سبز، نسبت فضاهای سبز به فضاهای مسکونی
	ظرفیت تحمل محله	تراکم جمعیتی مناسب، توان محله در ارائه خدمات، ظرفیت تأسیسات زیربنایی
	نظافت، پسماند	رضایت از پاک‌سازی زباله، نظافت کوچه و خیابان، وجود مخزن زباله در معابر
	آلودگی صوتی، بصری	میزان سروصدا، زیبایی ساختمان و جداره‌ها، وجود میلمان مناسب شهری
اقتصادی	اشتغال	درصد جمعیت شاغل محله، وجود برنامه‌های اشتغال در محله، میزان درآمد ساکنان
	نظام فعالیت	رضایت شاغلان از فعالیت در محله، نسبت سطح تجاری به مسکونی، ارتباط فعالیت با نوع نیاز ساکنان، توزیع مکانی مناسب فعالیت‌ها در محله
	ارزش زمین	قیمت زمین تجاری و مسکونی

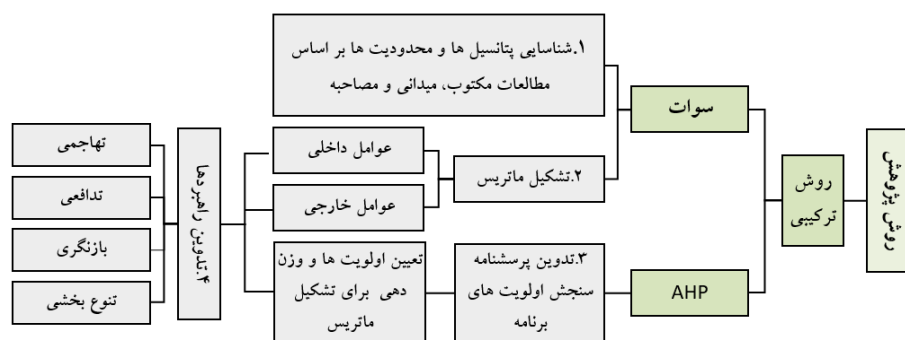
مأخذ: یافته‌های پژوهش، بارهیافتی برگرفته از مفیدی شمیرانی و مضطرزاده

(Mofidi Shemirani & Moztarzadeh, 2014)

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر توصیف و تحلیل است و در زمره پژوهش‌های کاربردی به‌شمار می‌آید. در حوزه روش‌شناسی، شیوه گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. به منظور تحقق اهداف پژوهش، ابتدا از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شد. در این مرحله، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی، مصاحبه و پرسشنامه باز صورت گرفت و مهم‌ترین و مؤثرترین شاخصه‌های مؤثر بر

گردشگری پایدار در محلات استخراج شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و تدوین راهبرد، از روش تحلیلی سوات (SWOT) برای شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل تأثیرگذار بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) در گردشگری منطقه استفاده شد. از آنجا که مسئله چندشاخصه بوده، از روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) برای محاسبه وزن و اهمیت هر کدام بهره‌گیری شد. سپس، بر اساس شاخصه‌های سه‌گانه اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، اولویت‌بندی و وزن‌دهی به معیارها بر اساس روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام شد. اطلاعات حاصل از ماتریس سوات به صورت پرسشنامه AHP برای تبدیل اطلاعات کیفی به کمی (امتیازدهی و اولویت‌بندی شاخصه‌ها) تدوین و با بهره‌گیری از نظر پنج نفر از کارشناسان گردشگری تکمیل شد. اطلاعات عددی حاصل از پرسشنامه‌های مقایسه دوه‌دویی (روش AHP) در محاسبه وزن نرمال هر شاخصه به صورت ماتریس به کار بسته شد، بدین صورت که وزن هر مؤلفه با محاسبه میانگین هندسی هر سطر ماتریس محاسبه شد و سرانجام، وزن نهایی هر شاخصه از طریق حاصل ضرب امتیاز آن در وزن نرمال به دست آمد و با محاسبه مجموع این داده‌ها نیز وزن نهایی عوامل بیرونی و درونی به دست آمد. بر اساس این محاسبات، ماتریس تعیین راهبرد سوات تدوین و راهبرد مد نظر استخراج شد.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۳- مدل مفهومی از روش ترکیبی SWOT-AHP

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

معرفی اجمالی روستای میان‌رز

میان‌رز یکی از روستاهای دهستان ماکلوان بوده و از لحاظ موقعیت سیاسی اداری، در بخش سردار جنگل به مرکزیت شهرستان فومن در استان گیلان جای گرفته است. میان‌رز در منطقه‌ای کوهپایه‌ای واقع شده که از شمال به روستای شالتوک، از جنوب به اراضی منابع طبیعی، از شرق به شالیزار و رودخانه ماسوله رودخان، از جنوب شرقی به روستای خانوانه و از غرب به جنگل منتهی می‌شود (HFIR, 2006). این روستا با برخورداری از اقلیم مناسب و معماری ارزشمند و منطبق با بوم، دارای قابلیت‌های جذب گردشگر بوده، اما تاکنون برنامه‌ریزی مؤثر برای شناخت و راه‌های گسترش گردشگری در آن صورت نگرفته است. روستای میان‌رز از سه محله میان‌رز محله، ماه پشت محله، دوست محمد محله تشکیل شده است که از آن میان، میان‌رز محله به سبب برخورداری از همگنی اجتماعی، عناصر کالبدی ارزشمند باقی مانده از گذشته، وجود محیط طبیعی در کنار محل زیست، کاربری‌های متنوع، قرارگیری در مرکز روستا و دسترسی آسان به تمامی محلات، دارای نقش پویاتر و اهمیت ویژه برای بروز فعالیت‌های اجتماعی بوده و از این رو، واجد مزیت‌های مکانی، فضایی، اجتماعی و فرهنگی متعدد است. طی دهه‌های اخیر، کمبود واحدهای خدماتی و عملکردی مبتنی بر نیازهای ساکنان، فرسودگی کالبدی فضایی و نابسامانی در منظر مرکز محله به ارائه تصویری نامناسب از روستا پیش چشم ساکنان و گردشگران انجامیده است.



مأخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (HFIR, 2006)

شکل ۴- نمایش محدوده محلات روستا و نحوه قرارگیری آنها نسبت به مرکز روستا



۱- مغازه، ۲- مسجد، ۳- مدرسه، و ۴- خانه بهداشت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۵- کاربری‌های موجود در مرکز محله میان‌رز

نتایج و بحث

برای شناسایی مهم‌ترین توان‌ها و محدودیت‌های مرکز محله روستای میان‌رز در چارچوب توسعه گردشگری پایدار، از مدل راهبردی سوات (SWOT) استفاده شده است. عوامل مؤثر درونی^۱ و عوامل مؤثر بیرونی^۲ در وضع موجود از سه منظر زیست‌شناختی-کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس مستندات طرح هادی و بررسی و مطالعه میدانی روستا مطرح شده‌اند. پس از شناسایی عوامل درونی و بیرونی و دسته‌بندی آنها در قالب نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید، میزان اهمیت و وزن هر کدام از آنها با استفاده از مدل فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) تعیین و مشخص شده است (جداول ۳ و ۴). هدف از ارائه این بخش شناخت و معرفی توان‌ها و محدودیت‌های موجود در هسته

1. Internal Effective Factors (IEF)
2. External Effective Factors (EEF)

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

مرکزی روستا در زمینه توسعه گردشگری و یافتن راهکارهای مناسب برای آنهاست. بر این اساس، عوامل محیطی به دو دسته عوامل درونی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدها) تقسیم‌بندی شدند و پس از انجام مصاحبه‌هایی با پنج نفر از کارشناسان و فعالان و همچنین، با بهره‌گیری از ادبیات موضوع و تحقیقات پیشین و نیز بازدید مجدد از روستا، در نهایت، هفده عامل درونی (شامل هشت نقطه قوت و نه نقطه ضعف) و هفده عامل بیرونی (شامل نه فرصت و هشت تهدید) شناسایی شدند، که از مهم‌ترین آنها می‌توان به آلودگی محیط زیست و ریزش پسماندها در روستا، منظر نامطلوب و از بین رفتن منظر روستا، و کمبود شدید مراکز تجاری در روستا اشاره کرد (جدول ۳).

چنان‌که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در ارزیابی عوامل درونی، مجموع امتیاز مرکز محله بیش از ۲/۵ بوده و بیانگر آن است که در وضعیت موجود روستا و مرکز محله، نقاط قوت مشخص شده بر اساس شاخص‌های گردشگری پایدار از نقاط ضعف بیشتر است. همچنین، بر اساس نتایج جدول ۵، امتیاز نهایی عوامل راهبردی بیرونی بیش از ۲/۵ بوده و این عدد (۲/۶۱) بیانگر آن است که فرصت‌های فراروی توسعه مرکز محله با هدف نیل به گردشگری پایدار در روستای میان‌رز بیشتر از تهدیدات پیرامون آن است.

جدول ۳- ماتریس عوامل درونی و بیرونی سوات به تفکیک شاخصه‌ها

فرصت‌ها	قوت‌ها
(O ₁) بهره‌گیری از مشارکت مردم در بهبود وضع موجود	(S ₁) وجود مسجد در مرکز محله به‌عنوان کانون فعالیت
(O ₂) امکان عرضه محصولات خوداشتغالی اهالی در مرکز روستا	چندمنظوره
(O ₃) وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و افزایش فرصت‌های شغلی	(S ₂) باقی ماندن بخش قابل توجهی از سازمان کالبدی فضایی
(O ₄) وجود اراضی بایر در محدوده و قابلیت تبدیل به مراکز چندمنظوره	تاریخی و الگوی قدیمی محدوده
(O ₅) نوسازی زیست‌محیطی از طریق ایجاد فضای سبز در اراضی	(S ₃) وجود پوشش گیاهی و چشم‌انداز زیبا در محدوده
(O ₆) قابلیت احیا و تنوع‌بخشی عملکردی خانه و میراث معماری به مراکز چندمنظوره اقامتی فروش آثار و موزه	(S ₄) وجود کانون سرزنده در گره‌ها و دسترسی‌های محدوده
(O ₇) بازآفرینی منظر روستا از طریق بازسازی نشانه‌ها، محورها و کانون‌های دارای دید در مرکز ورودی‌های محدوده	(S ₅) وجود الگوی معماری بومی در طراحی زیست‌محیطی شامل تالار، ایوان و ...
(O ₈) توان استفاده از اراضی در مرکز یافت برای طراحی و تقویت محور شریانی و برگزاری مراسم فرهنگی	(S ₆) دارا بودن توانمندی و قابلیت اقتصادی، جاذبه تفریحی و مستعد بودن محدوده به‌منظور برنامه‌ریزی گردشگری
(O ₉) امکان گسترش مسیرهای پیاده و دوچرخه به‌ویژه در مقیاس محله	(S ₇) هم‌جواری محدوده با محورهای ارتباطی اصلی و امکان تأمین دسترسی‌های مناسب به محدوده
	(S ₈) بالا بودن امنیت منطقه و عدم وجود بزهکاری
تهدیدها	ضعف‌ها
(T ₁) تغییر نحوه تفکر و زندگی در پی ازخودبیگانگی در دوره معاصر، از بین رفتن فرهنگ بومی و الگوهای محلی	(W ₁) بی‌علاقگی ساکنان روستا به اقامت در آن، عدم رضایت مردم و شاغلان از فعالیت در محله
(T ₂) بی‌توجهی مدیریت بخش روستایی به توان‌های محدوده	(W ₂) ساخت‌وسازهای نامناسب با بافت، ناهماهنگی سیمای
(T ₃) غلبه الگوهای نامطلوب دیداری و ساخت‌وسازهای معاصر به منظر معماری بومی در صورت عدم ارائه طرح	جداره‌های معماری و جزییات نامطلوب در لبه مرکز محله
(T ₄) خالی شدن بافت از جمعیت و امحای تدریجی سرزندگی به‌دلیل کاهش کارآیی سازمان فعالیت	(W ₃) کمبود امکانات اقامتی و رفاهی و مبلمان شهری در روستا
(T ₅) بروز آلودگی زیست‌محیطی در محدوده طرح به‌دلیل عدم وجود پوشش گیاهی و ایجاد ناپایداری در محدوده و انباشت پسماند	(W ₄) رهاسازی فاضلاب در محله، دفع زباله در محله
(T ₆) عدم رشد محدوده و ایجاد ناپایداری اجتماعی به‌دلیل فقدان وجود فضای سبز برای گذران اوقات فراغت	(W ₅) کمبود مراکز بهداشتی درمانی، مراکز آموزشی دبستان و مراکز آموزشی گذران اوقات فراغت
(T ₇) عدم توسعه محدوده به‌دلیل فقدان مراکز ویژه گردشگری	(W ₆) کیفیت، کارآیی و امنیت پایین مسیرهای سواره و پیاده
(T ₈) حمایت ضعیف دولت از سرمایه‌گذاری مرتبط با گردشگری	(W ₇) وجود فضاهای از دست‌رفته در مرکز محدوده و ورودی‌ها به‌دلیل عدم تعریف فضایی، بی‌هویتی فضاهای باز
	(W ₈) کمبود خدمات تجاری و نبود بازارها محلی و عرضه محصولات صنایع دستی
	(W ₉) فقدان کانون سرزنده دارای اختلاط، تنوع در فضاهای باز محدوده پیرامون مسجد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

جدول ۴- وزن‌دهی و اولویت‌بندی عوامل درونی بر اساس اطلاعات پرسشنامه دوبه‌دویی

اولویت عامل	وزن نسبی	امتیاز موزون	عوامل درونی
هفتم	۰/۰۳۸	۰/۱۱۴	S ₁ وجود مسجد در مرکز محله به‌عنوان کانون فعالیتی چندمنظوره
پنجم	۰/۰۶۷	۰/۲۱۶	S ₂ باقی‌ماندن بخش قابل‌توجهی از سازمان کالبدی فضایی تاریخی و الگوی قدیمی محدوده
اول	۰/۱۰۰	۰/۴۰۰	S ₃ وجود پوشش گیاهی و چشم‌انداز زیبا در محدوده
هشتم	۰/۰۲۳	۰/۰۶۹	S ₄ وجود کانون سرزنده در گره‌ها و دسترسی‌های محدوده
ششم	۰/۰۴۲	۰/۱۲۸	S ₅ وجود الگوی معماری بومی در طراحی زیست‌محیطی شامل تالار و ...
دوم	۰/۰۹۱	۰/۳۶۶	S ₆ دارا بودن توانمندی و قابلیت اقتصادی، جاذبه تفریحی و مستعد بودن محدوده به‌منظور برنامه‌ریزی گردشگری
چهارم	۰/۰۶۴	۰/۲۵۷	S ₇ هم‌جواری محدوده با محورهای ارتباطی اصلی و امکان تأمین دسترسی‌های مناسب به محدوده
سوم	۰/۰۷۲	۰/۲۹۰	S ₈ بالا بودن امنیت منطقه و عدم وجود بزهکاری
چهارم	۰/۰۵۶	۰/۱۱۲	W ₁ بی‌علاقگی ساکنان روستا به اقامت در آن، عدم رضایت مردم و شاغلان از فعالیت در محله
ششم	۰/۰۳۹	۰/۰۷۸	W ₂ ساخت‌وسازهای نامناسب با بافت، ناهماهنگی سیمای جداره‌های معماری و جزئیات نامطلوب در لبه مرکز محله
پنجم	۰/۰۴۵	۰/۰۹۰	W ₃ کمبود امکانات اقامتی و رفاهی و مبلمان شهری در روستا
هفتم	۰/۰۲۲	۰/۰۶۴	W ₄ رهاسازی فاضلاب در محله، دفع زباله در محله
سوم	۰/۱۲۱	۰/۱۲۱	W ₅ کمبود مراکز بهداشتی درمانی، مراکز آموزشی دبستان و مراکز آموزشی گذران اوقات فراغت
دوم	۰/۰۶۶	۰/۱۳۲	W ₆ کیفیت، کارآیی و امنیت پایین مسیرها سواره و پیاده
چهارم	۰/۰۵۹	۰/۱۱۸	W ₇ وجود فضاهای ازدست‌رفته در مرکز محدوده و ورودی‌ها به دلیل عدم تعریف فضایی، بی‌هویتی فضاهای باز
اول	۰/۱۴۷	۰/۱۴۷	W ₈ کمبود خدمات تجاری و نبود بازار محلی عرضه محصولات صنایع دستی
هفتم	۰/۰۳۳	۰/۰۶۶	W ₉ فقدان کانون سرزنده دارای اختلاط، تنوع در فضاهای باز محدوده پیرامون مسجد و فضاها
جمع قوت‌ها: ۱/۸۴		جمع ضعف‌ها: ۰/۹۲	جمع کل: ۲/۷۶

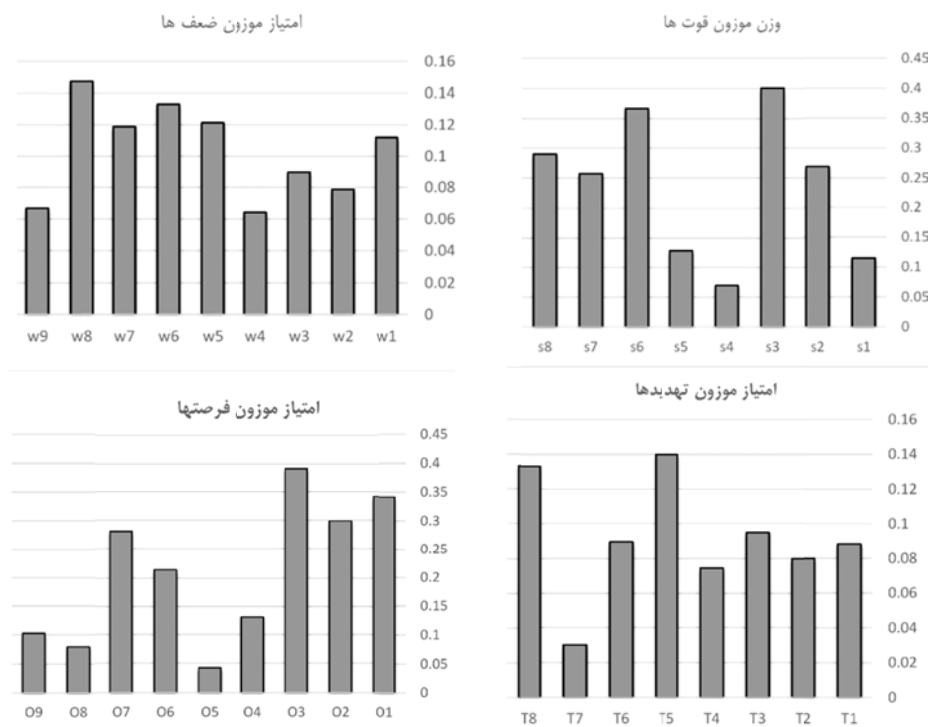
مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۵- وزن‌دهی و اولویت‌بندی عوامل بیرونی بر اساس اطلاعات پرسشنامه دوبه‌دویی

اولویت عامل	امتیاز موزون	وزن نسبی	عوامل بیرونی	
دوم	۰/۳۴۱	۰/۰۸۵	O ₁ بهره‌گیری از مشارکت مردم در بهبود وضع موجود	فرصت‌ها
سوم	۰/۳۰۰	۰/۰۷۵	O ₂ امکان عرضه محصولات خوداشتغالی اهالی در مرکز روستا	
اول	۰/۳۹۱	۰/۰۹۸	O ₃ وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و افزایش فرصت‌های شغلی	
ششم	۰/۱۳۰	۰/۰۴۳	O ₄ وجود اراضی بایر در محدوده و قابلیت تبدیل به مراکز چندمنظوره	
نهم	۰/۰۴۱	۰/۰۱۴	O ₅ نوسازی زیست‌محیطی از طریق ایجاد فضای سبز در اراضی بایر	
پنجم	۰/۲۱۴	۰/۰۵۴	O ₆ قابلیت احیا و تنوع‌بخشی عملکردی خانه و میراث معماری به مراکز چندمنظوره اقامتی فروش آثار و موزه	
چهارم	۰/۲۸۰	۰/۰۷۰	O ₇ بازآفرینی منظر روستا از طریق بازسازی نشانه‌ها، محورها و کانون‌های دارای دید در مرکز ورودی‌های محدوده	
هشتم	۰/۰۸۰	۰/۰۲۶	O ₈ توان استفاده از اراضی در مرکز یافت برای طراحی و تقویت محور شریانی و برگزاری مراسم فرهنگی	
هفتم	۰/۱۰۲	۰/۰۳۴	O ₉ امکان گسترش مسیرهای پیاده و دوچرخه به‌ویژه در مقیاس محله	
دوم	۰/۰۹۰	۰/۰۹۰	T ₁ تغییر نحوه تفکر و زندگی در پی از خودبیگانگی در دوره معاصر، از بین رفتن فرهنگ بومی و الگوهای محلی	تهدیدها
سوم	۰/۰۸۰	۰/۰۴۰	T ₂ بی‌توجهی مدیریت بخش روستایی به توان‌های محدوده	
دوم	۰/۰۹۴	۰/۰۹۴	T ₃ غلبه الگوهای نامطلوب دیداری و ساخت‌وسازهای معاصر به منظر معماری بومی در صورت عدم ارائه طرح	
چهارم	۰/۰۷۴	۰/۰۳۷	T ₄ خالی شدن بافت از جمعیت و امحای تدریجی سرزندگی به دلیل کاهش کارآیی سازمان‌های فعالیتی	
اول	۰/۱۴۰	۰/۱۴۰	T ₅ بروز آلودگی زیست‌محیطی در محدوده طرح به دلیل عدم وجود پوشش گیاهی و ایجاد ناپایداری در محدوده و انباشت پسماند	
دوم	۰/۰۹۰	۰/۰۹۰	T ₆ عدم رشد محدوده و ایجاد ناپایداری اجتماعی به دلیل فقدان وجود فضای سبز برای گذران اوقات فراغت	
پنجم	۰/۰۳۰	۰/۰۱۵	T ₇ عدم توسعه محدوده به دلیل فقدان مراکز ویژه گردشگری	
اول	۰/۱۴۰	۰/۰۷۰	T ₈ حمایت ضعیف دولت از سرمایه‌گذاری مرتبط با گردشگری	
۲/۶۱		جمع کل:	جمع تهدیدها: ۰/۷۳۸	جمع فرصت‌ها: ۱/۸۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۶- نمودارهای امتیازات موزون عوامل درونی و بیرونی

همچنین، نتایج تحلیل سوات بر پایه مقایسه زوجی برای اولویت‌بندی عوامل نشان می‌دهد که نقاط قوت S7 با وزن ۰/۲۴۷ و S3 با وزن ۰/۴۰ مهم‌ترین نقاط قوت روستا و هسته مرکزی آن به‌شمار می‌روند؛ بین زیرمعیارهای فرصت‌ها، بالاترین رتبه به فرصت ۰۳ با میزان ۰/۳۹۱ اختصاص یافته، که نشان‌دهنده مهم‌ترین فرصت است؛ در میان زیرمعیارهای نقاط ضعف، بالاترین رتبه متعلق به نقطه ضعف W8 با میزان ۰/۱۴۷ است؛ و سرانجام، در میان زیرمعیارهای تهدیدها نیز تهدیدهای T5 و T8 از سایر عوامل وزن بیشتری دارند و مهم‌ترین تهدیدها در محدوده به‌شمار می‌روند. از آنجا که هدف اساسی شناسایی راهبردهای توسعه گردشگری، ایجاد تغییر در شرایط فعلی با تثبیت وضعیت مطلوب است، در تحقیق حاضر، با

توجه به ارتباطی که میان نقاط قوت و فرصت‌های منطقه برای توسعه گردشگری وجود دارد، در راستای حذف یا کاهش اثر نقاط ضعف و تهدیدها، به تدوین ماتریس راهبردهای تنوع‌بخشی و تدافعی پرداخته شده و نتایج آن در جداول ۶ و ۷ آمده است.

جدول ۶- راهبردهای تهاجمی و رقابتی (بازنگری) بر اساس یافته‌های پژوهش

راهبردهای تهاجمی (SO)	راهبردهای رقابتی (WO)
<p>۱- تأکید بر امکان ایجاد و افزایش عوامل محرک اقتصاد از طریق عرضه صنایع دستی در بازارچه‌ها برای گردشگران</p> <p>۲- بهره‌گیری بهینه از حمایت مسئولان و سیاست‌گذاران کشوری از رویکرد توسعه روستایی از راه توسعه گردشگری با تأکید بر امنیت کافی منطقه</p> <p>۳- زمینه‌سازی برای ایجاد بازار مناسب برای تولیدات باغی، دامی و صنایع دستی و گسترش خدمات رفاهی منطقه از راه توسعه گردشگری</p> <p>۴- استفاده از اراضی بایر موجود کنار عناصر بارزش تاریخی برای مراکز چندمنظوره پروتق مسکونی، تجاری، گردشگری، برای تقویت امکانات در مجاورت جاذبه‌های گردشگری بر اساس الگوی تاریخی مرجع منطقه</p>	<p>۱- تأکید بر امکان ایجاد و افزایش عوامل محرک اقتصاد روستایی از طریق گردشگری به‌منظور کاهش فضاهای ناکارآمد و ماندگاری اهالی بومی</p> <p>۲- استفاده از فضاهای باز موجود برای تقویت محور شریانی و کاهش مشکلات امنیت پیاده‌روها</p> <p>۳- تأکید بر استفاده از الگوهای بومی در طراحی‌های جدید برای حل مشکل ناهماهنگی و مخدوش بودن سیمای روستا</p> <p>۴- احیا و تنوع‌بخشی عملکردی میراث معماری با کاربری جدید به‌منظور جلوگیری از فرسودگی</p> <p>۵- زمینه‌سازی برای ایجاد و گسترش امکانات رفاهی گردشگری و تفریحی و ارتقای کیفیت راه‌های دسترسی به روستا</p>

مأخذ: یافته‌های پژوهش

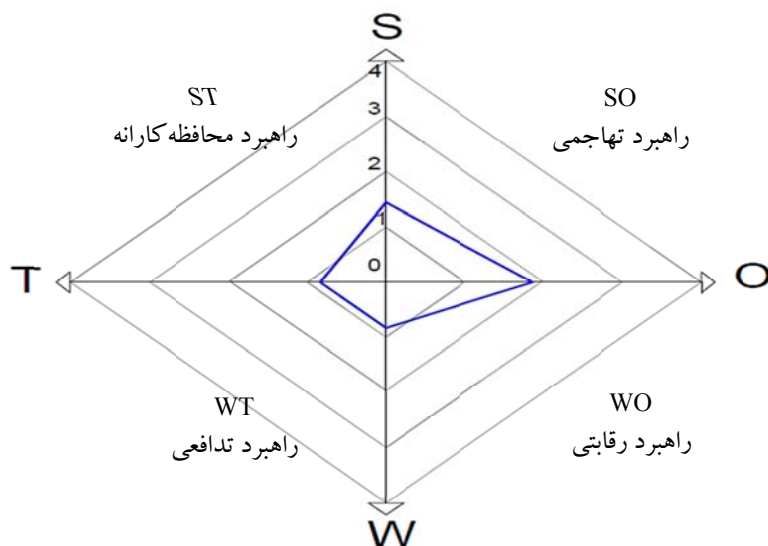
.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

جدول ۷- راهبردهای محافظه کارانه (تنوع بخشی) و تدافعی بر اساس یافته‌های پژوهش

راهبردهای محافظه کارانه (ST)	
<p>۱- تقلیل تأثیر عوامل تهدید رکود اقتصادی و خالی شدن بافت از جمعیت بومی از طریق به کارگیری جاذبه‌های گردشگری- تفریحی و فرهنگی</p> <p>۲- تقلیل تأثیر عامل تهدید غلبه الگوهای نامطلوب دیداری ساخت معاصر از طریق اهتمام به جلوگیری از نابودی هویت میراث معماری محدوده</p> <p>۳- تقلیل عامل تهدید خالی شدن بافت از جمعیت از طریق توجه مناسب به فراهم سازی امکانات تجاری، رفاهی و آموزشی برای ساکنان</p> <p>۴- تقلیل عامل تهدید از بین رفتن هویت با توجه ویژه به ارزش‌های زندگی روستایی و مهار تقلید از شهرها</p> <p>۵- تقلیل عامل تهدید عدم رشد و توسعه روستا به دلیل فقدان مراکز ویژه گردشگری از طریق توجه مناسب به رفع کمبود امکانات رفاهی</p>	<p>۱- استفاده از اراضی موجود پیرامون فضاهای واجد ارزش روستا برای ایجاد فضاهای گردشگری و رفع مشکلات رفاهی گردشگران</p> <p>۲- تأکید بر بهره‌گیری از الگوی بومی در طراحی‌های معاصر به منظور جلوگیری از امحا و تغییر الگوهای بومی ارزشمند در روستا</p> <p>۳- تأکید بر اصلاح مسیرهای سواره و پیاده روستا با تقویت کانون‌ها و گروه‌ها در محورها</p> <p>۴- توجه بخش‌های دولتی و خصوصی برای سرمایه‌گذاری در روستا با تأکید بر قابلیت‌های گردشگری روستا و معرفی آنها</p> <p>۵- استفاده از توانمندی‌های خود روستا برای تولیدگرایی و نه مصرف‌گرایی از طریق تشویق به استفاده و عرضه محصولات بومی برای خروج از رکود اقتصادی</p>

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار حاصل از تجزیه و تحلیل هم‌زمان عوامل درونی و بیرونی (شکل ۷)، بر اساس نمرات نهایی حاصل از ماتریس‌های ارزیابی عوامل درونی و بیرونی (جداول ۴ و ۵) ارائه شده است. بر این اساس، همپوشی قوت‌ها و تهدیدها به سمت قوت‌ها متمایل بوده و نشان‌دهنده تأثیرپذیری کمتر قوت‌ها از تهدیدهای موجود است. همچنین، همپوشانی فرصت‌ها و ضعف‌ها نشان‌دهنده تأثیرگذاری فرصت‌ها بر ضعف‌های موجود است. با توجه به نتایج به دست آمده، پرداختن به فرصت‌ها در درجه نخست اهمیت برای توسعه گردشگری قرار می‌گیرد.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۷- راهبرد پیشنهادی توسعه مرکز محله با رویکرد گردشگری پایدار در روستا
 با توجه به کشیدگی نمودار و قرارگیری آن در ربع اول، باید راهبردهای مد نظر در توسعه مرکز محله در قالب راهبردهای تهاجمی و رقابتی ارائه شوند. بالا بودن قابلیت‌های گردشگری در ارتباط با جذابیت در زمین نقطه قوت و حداکثر فرصت ناشی از وضعیت ساختاری منطقه است. با این همه، در زمینه تهدیدها نمی‌توان چندان خطری را متوجه منطقه مطالعاتی دانست. در این راستا، برخلاف الگوی دفاعی که یک راه‌حل واکنشی است، الگوی تهاجمی به‌عنوان یک راه‌حل کنشگر پیشنهاد می‌شود. در چنین وضعیتی، تنها بر مبنای تقویت و حفظ نقاط قوت و استفاده از فرصت‌های موجود در توسعه مرکز محله روستای میان‌رز می‌توان اهداف گردشگری پایدار را محقق کرد. از این‌رو، اولویت با راهبردهای تهاجمی و سپس، رقابتی (بازنگری) است و راهبردهای محافظه‌کارانه (تنوع‌بخشی) و تدافعی در رده‌های بعدی سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گردشگری بزرگ‌ترین صنعت فعال در جهان است. توجه به روستا و گردشگری روستایی مبتنی بر مؤلفه‌های توسعه پایدار در کشوری همچون ایران، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه جذب گردشگر، می‌تواند زمینه‌ساز تحولی بزرگ در این حوزه شود. در این میان، مراکز محله به‌عنوان واحد پایه در کالبد معماری روستایی محور برنامه‌ریزی و پیش‌شرط توسعه پایدار گردشگری به‌شمار می‌روند، به‌گونه‌ای که بسترسازی برای ارتقای کیفی آنها تأثیر مستقیم و اجتناب‌ناپذیر بر ارتقای کیفی روستاها خواهد داشت. پژوهش‌ها، با تأکید بر ضرورت سامان‌دهی مکان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه پایدار روستایی، وجود سه مؤلفه زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی در تقویت ساختار گردشگری روستایی را تأیید می‌کند و تعادل این سه مؤلفه را مهم‌ترین شرط دستیابی به گردشگری پایدار می‌داند (جدول ۱ و شکل ۱). همچنین، توسعه محله‌ای دربرگیرنده تمام مسائل مربوط به مسکن، معیشت، مشارکت ساکنان، افزایش رفاه اجتماعی، احساس امنیت، ارتقای سطح آموزش و نیز مباحث زیست‌محیطی است، که از طریق برقراری تعادل میان ابعاد زیستی، اجتماعی و اقتصادی محقق خواهد شد و از این رهگذر، امکان جمعیت‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی فراهم خواهد شد. از این‌رو، در صورت برنامه‌ریزی مناسب در این زمینه، توسعه گردشگری روستایی با اهداف گردشگری روستایی همسو خواهد شد و اهداف مشترک را دنبال خواهند کرد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از ماتریس سوات (SWOT)، در شرایط کنونی، وضعیت عملکردهای متنوع زیستی، اجتماعی و خدماتی که لازمه پایداری است، در مرکز محله روستای میان‌رز مناسب نیست و در صورت غفلت از بهبود این عوامل، زمینه توسعه پایدار گردشگری محقق نخواهد شد. بر پایه نتایج ارزیابی کمی عوامل درونی و بیرونی با بهره‌گیری از روش فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و نمودار حاصل از آن، امتیاز نهایی ماتریس عوامل بیرونی ۲/۶۱ و امتیاز نهایی عوامل درونی ۲/۷۶ بوده که گویای بیشتر بودن نقاط قوت نسبت به نقاط ضعف و همچنین، فرصت‌ها نسبت به تهدیدها در ارتباط با توسعه مرکز محله

روستاست، گرچه از شاخص نقاط قوت (۱/۸۴) و فرصت‌ها (۱/۸۷) به‌عنوان مؤلفه‌های بالقوه نیز نباید غافل شد. نتایج مبین آن است که اتخاذ راهبرد تهاجمی و رقابتی در توسعه مرکز محله روستای میان‌رز بر مبنای تقویت و حفظ نقاط قوت و استفاده از فرصت‌های موجود در مرکز محله نظیر تقویت و بهبود زیرساخت‌ها، مناسب‌سازی و ایجاد اقامتگاه‌های گردشگری، گسترش واحدهای خدماتی به‌منظور ارتقای شاخص‌های گردشگری پایدار روستا، اختلاط کاربری‌ها از طریق یکپارچه‌سازی خرده‌فروشی‌ها، و کاربری‌های تجاری، تفریحی و اجتماعی تضمینی مهم برای نیل بدین مقصود است، چراکه تحقق آنها شرایط و زیرساخت‌های لازم برای حضور گردشگران را فراهم می‌سازد و زمینه‌های ترغیب اهالی به حضور در محله را افزایش داده، تمایل به مهاجرت را به حداقل خواهد رساند.

مرکز محله روستای میان‌رز با بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه، قابلیت تبدیل به بافتی زنده و پویا را دارا است. در محدوده مورد نظر، عناصر و ساختارهای معماری با قابلیت حفظ یا تغییر کاربری به‌عنوان قرارگاه‌های رفتاری و عملکردی واجد ارزش و نیز تقویت فضاهای باز به‌عنوان مرکز ظهور و بروز تعاملات اجتماعی همچون آیین‌ها و انواع مراسم می‌تواند روستا را در نزدیک شدن به اهداف تبیین‌شده یاری رساند. از این‌رو، احیای ارزش‌های فرهنگی و خاطرات جمعی (ثبت و ضبط معماری مرکز محله)، ایجاد پیوند بین جاذبه‌های محدوده از طریق گره‌ها و شبکه‌های گردشگری در روستا را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین راهبردهای گردشگری محله برشمرد. بر پایه یافته‌های پژوهش و با توجه به مزایا و ظرفیت‌های متعدد و نیز برخی محدودیت‌ها، می‌توان با برنامه‌ریزی و توسعه مکان‌های اقامتی و رفاهی، سامانه‌های حمل‌ونقل، مراکز درمانی و تجهیز مسیرهای گردشگری روستایی، به فعالیت‌هایی مؤثر در زمینه توسعه گردشگری پرداخت و با اتصال و هم‌پیوندی میان فضاهای عمومی محله و عناصری شاخص مانند مسجد نیز می‌توان ضمن پاسخ به روحیه اجتماعی- فرهنگی ساکنان، شرایط حضور در اجتماعات و سرزندگی بافت را ارتقا بخشید. از این‌رو، ناگفته پیداست که برای تحقق اصول و معیارهای توسعه گردشگری پایدار روستایی، باید محلات روستایی به‌عنوان

.....تحلیل راهبردی نقش مرکز محله‌ها در

هسته‌های اصلی این توسعه در کانون توجه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و طراحان قرار گیرد، چراکه ارتقای توسعه گردشگری پایدار روستایی به ارتقای سطح زندگی و رفاه روستاییان نیز خواهد انجامید.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی

در پژوهش حاضر، نقش راهبردی مرکز محله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در جامه عمل پوشاندن به انگاره توسعه پایدار گردشگری روستایی مورد توجه قرار گرفته است. برای تحقق این مهم، رویکرد مشارکت مردم محلی در زمره موضوعات مهمی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد و از این رهگذر، حوزه‌های مختلف اثرگذاری آن بر توسعه پایدار گردشگری روستایی بررسی شود.

منابع

1. Abdolahi, M., Tavakolinia, J. and Sarrafi, M. (2010). Theoretical study of the concept of neighborhood and its redefinition with emphasis on the conditions of urban neighborhoods of Iran. *Human Geography Research Quarterly* 42(2): 82-103. (Persian)
2. Akbarian-Ronizi, S. R. (2016). Assessment of tourism sustainability in tourism target villages, Case study: Sepidan County. *Rural Research Quarterly*, 7(1): 167-193. (Persian)
3. Amir, A. F., Ghapar, A.A., Jamal, S. A. and Ahmad, K. N. (2015). Sustainable tourism development: a study on community resilience for rural tourism in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 168: 116-122.
4. Aref, F., Gill, S. and Aref, F. (2010). Tourism development in local communities: as a community development approach. *American science*, 6: 155-161.

5. Azani, M. and Hatamifar, P. (2016). Neighborhood role in promoting urban tourism (the case of Jolfa district of Isfahan). *Geography and Urban Planning Outlook Zagros*, 7-26: 1-16. (Persian).
6. Azkia, M. and Imani, A. (2008). Sustainable rural development. Tehran: Etlaat press. (persian).
7. Badri, S. A. and Yarihesar, A. (2009). The site selection of tourism sample region using ahp method case study: kohgilooye and Boyerahmad district. *Geographical Research*, 24(95): 55-84.
8. Bonham, C. (2010). Sustainable communities in the UK. USA: Springer.
9. Bulter, R. W., Hall, C.M. and Jenkins, J. (1998). Tourism and recreation in rural areas. Chichester :John wiley and sons Inc.
10. Chin, C. H., Lo, M., Songan, P. and Nair, V. (2014). Rural tourism destination competitiveness: a study on Annah Rais Longhouse Homestay, Sarawak. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 144: 35-44.
11. Condon, P. (2010). Seven rules for sustainable communities. Washington, DC: Island Press.
12. Cowan, R. (2005). The dictionary of urbanism tisbury. Wiltshire: Streetwise.
13. Culling worth, B. and Caves, R. W. (2003). Planning in the USA: issues and processes. New york & London.
14. Devereux, D. (2001). Livelihood insecurity and Social Protection: A Re-emerging Issue in Rural Development. *Development policy Review*, 19(4): 507-519.
15. Duim, V. (2005). Tourism scapes: An actor-network perspective on sustainable tourism development. PhD Thesis, Wageningen University.
16. Hall, D., Roberts, L. and Mitchell, M. (2003). New directions in rural tourism. Aldershot, U.K: Ashgate Publication.
17. Hall, M. and Lew, A. A. (2009). Understanding and managing tourism impacts: an integrated approach. London: Routledge Press.
18. HFIR (Housing Foundation of Islamic Revolution) (2006). Rural conductor plan [Hadi Plan]: Conductor plan [Hadi Plan] of Mianraz village. Tehran: Housing Foundation of the Islamic Revolution.
19. Jaafar, M., Rasoolimanesh, S. M. and Lonik, K. A. T. (2015). Tourism growth and entrepreneurship: empirical analysis of development of rural highlands. *Tourism Management Perspectives*, 14: 17-24.
20. Jompor, M. (2015). Role of localization and indigenous knowledge in sustainable rural development. *Indigenous Knowledge*, 1: 50-79.

21. karimi, S. and Tavakolinia, J. (2009). Roll of local development in sustainable urban development case study: Evin's neighborhood. *Human Geography*, 1(3): 81-92. (Persian)
22. Khakpoor, B., Mafi, E. and Bavanpoori, A. R. (2009). The role of social capital in a community sustainable development. *Geography and Regional Development*, 12: 55-81. (Persian)
23. Kretzmann, J. and McKnight, J. (1993). Building communities from the Inside Out: a path toward finding and mobilizing a community's assets. ACTA Publications.
24. Mahdavi, D., Norouzi, A. and Mir Amini, F. (2018). Tissue conditioner with rural values texture and its role in the development of rural tourism (Case Study: Abyaneh, Yasee Chay, Tare and Sar Aqa Seyyed villages). *Quarterly of Geography (Regional Planning)*, 6(2): 191-209. (Persian)
25. Mofidi Shemirani, S. M. (2016). Explanation model of sustainable development districts in order to achieve urban sustainable development, case study: Chizar district. *Management System*, 9. (Persian)
26. Mofidi Shemirani, S. M. and Moztarzadeh, H. (2014). Explaining the sustainable urban community structural criteria. *Bagh-E Nazar Quarterly*, 11(29): 59-70. (Persian)
27. Moradafshar, R. A. (2013). A study of rural tourism development by using village-worthy tissues case study: Molhamdareh village in Asadabad village. *The First National Conference for Tourism in Northern Iran*, Azad University of Hamadan.
28. Osman, Z. and Sentosa, I. (2013). Mediating effect of customer satisfaction on service quality and customer loyalty relationship in Malaysian rural tourism. *International Journal of Economics and Management Studies*, 2(1): 25-37.
29. Power, A. (2004). Sustainable communities and sustainable development. London: Sustainable Development Commission.
30. Raco, M. (2007). building sustainable communities, spatial policy-place imaginations and labor mobility in Post-War Britain. Bristol: Policy Press.
31. Rahnamaee, M. T. (1990). Topics and methods of urban design (geography). Tehran: Urban Design & Architecture Research Center. (Persian)
32. Rasegh-Ghezelbash, S. (2011). Rural tourism and its need for special attention in rural development programs. *Housing and Rural Environment*, 29(129): 98-109. (Persian)
33. Rezavani, M. R., Badri, S. A., Torabi, Z., Malekan, M. and Asgary, A. (2016). Sustainable rural tourism in the margins of Tehran metropolis: from the perspective of ahar. *Rural Research* 7(2): 286-299. (Persian)

34. Rezvani, M. (2008). Development of rural tourism with a sustainable tourism attitude. Tehran: Tehran University Press. (Persian)
35. Riddle, R. (2004). Sustainable urban planning. UK, Oxford: Black Well. Publishing.
36. Rokneddin Eftekhari, A., Mahdavi, D. and Poortaheri, M. (2011). Localization process of sustainable development indicators of rural tourism in Iran. *Rural Research Quarterly*, 1(4): 1-41.
37. Roseland, M. (2005). Toward sustainable communities. Canada: New Society Publishers.
38. Sarrafi, M. (2000). The fundamentals of regional development planning. Tehran: Plan and Budget Organization Publication. (Persian)
39. Schloegel, C. (2007). Sustainable tourism: sustaining biodiversity. *Sustainable Forestry*, 25(3): 247-264.
40. Shakibamanesh, A., Khaksari, A. and Ghorbanian, M. (2006). Urban districts in Iran. Tehran, Iran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (Persian)
41. Su, B. (2011). Rural tourism in China. *Tourism management*, 32(2): 438-441.
42. Zargham Borojeni, H. and Nikbin, M. (2012). Assessing the sustainability of tourism development on the island of Capri Tourism. *Growth and Sustainable Development Research Journal*, 12(2): 137-168. (Persian)
43. Zokin, S. (1997). The culture of cities. Available at <https://www.wiley.com/en-us/The+Cultures+of+Cities-p-9781557864376>.